

تصویرشناسی زنان در سفرنامه ابن فضلان

احسان قبول^{۱*}، عبدالله رادمرد^۲، تکتیم عابدی^۳

چکیده

تصویرشناسی یکی از شاخه‌های ادبیات تطبیقی است که از رهگذر آثار ادبی به شناسایی ویژگی‌ها و نگرش‌های اقوام و ملل دیگر می‌پردازد. شناسایی تصویر زنان اقوام و کشورها از منظر یک شاعر یا نویسنده خارجی از موضوعات دانش تصویرشناسی است که نقش مهمی در شناخت جایگاه، علایق و نگرش به زنان آن جوامع دارد. در این مقاله برآنیم که انواع تصاویر زنان را در سفرنامه ابن فضلان شناسایی کنیم. این سفرنامه از نخستین آثار به‌جامانده درباره سرزمین‌های حوضه رود ولگا و آسیای مرکزی است که نویسنده آن از ایران و سرزمین ترکان نیز گذر داشته است. در این سفرنامه، اطلاعات و تصاویر ارزشمند و منحصر به فردی از تصویر زنان اقوام ترک، بلغار، ایران و روس ارائه شده که ما این اطلاعات و تصاویر را از چهار منظر ازدواج، پوشش، زیورآلات و کنیزان و براساس روش تحقیق در تصویرشناسی دسته‌بندی و بررسی کرده‌ایم. نتیجه پژوهش حاضر این است که آن دسته از تصاویر زنان که براساس عقاید و محیط زندگی ابن فضلان برایش عجیب و غیرعادی بوده، در اثر او برجستگی بیشتری دارد که به ترتیب در اقوام روس، ترک، بلغار و ایران خود را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی

ازدواج، تصویرشناسی، سفرنامه ابن فضلان، روابط جنسی، زنان.

ghabool@um.ac.ir

radmard@um.ac.ir

toktamabedi@gmail.com

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۵

مقدمه

سفرنامه‌ها^۱ یکی از منابع مهم برای دستیابی به اطلاعات مکان‌هایی است که جهانگردان آنجا را از منظر خود بیان و توصیف کرده‌اند. اطلاعات سفرنامه‌ها درباره ابعاد مختلف یک جامعه از منابع اطلاعاتی معتبر به‌شمار می‌آید؛ به‌خصوص اینکه این اطلاعات از سوی دیگر جهانگردان تکرار و تأیید شده باشد، زیرا ایشان عموماً حاصل مشاهدات مستقیمشان را مکتوب می‌کنند. این اطلاعات می‌تواند ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، هنری، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی یک مکان را شامل شود.

تصویرشناسی^۲ دانشی است که در پی آن است از متون مختلف ادبی، به‌ویژه سفرنامه‌ها، به شناسایی چهره کشورهای دیگر بپردازد. به عبارتی، تصویر دیگری^۳ را از منظر سفرنامه‌نویسی شناسایی و ترسیم کند که به کشور و فرهنگ دیگر وابسته است و از این رهگذر به شناخت ویژگی‌های جامعه‌ای که به مردم دیگر می‌نگرد دست یابد؛ جامعه‌ای که سفرنامه‌نویسان نماینده آن‌اند. بنابراین، تصویرشناسی به دنبال شناخت نگرش «من»^۴ به دیگری است. این دانش در زیرمجموعه مکتب ادبیات تطبیقی^۵ و نظریه فرانسوی^۶ آن قرار می‌گیرد که در آغاز در قالب تصویر اقوام دیگر در ادبیات کشوری دیگر مطرح می‌شد؛ اما با تکامل ادبیات تطبیقی این حوزه نیز استقلال یافت و در جایگاه دانشی میان‌رشته‌ای مطرح شد و هم‌اکنون اهمیت ویژه‌ای در دانش‌های میان‌رشته‌ای ادبیات و سایر علوم دارد.

زن، در جایگاه نیمی از جامعه بشری، از موضوعات مهمی‌اند که شناسایی تصویر ایشان اهمیت بسزایی در شناخت یک جامعه دارد. اما این تصویر در آثار گذشتگان به دلایل مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... کم‌رنگ بوده است. بنابراین، آن‌چنان که تصویر مردان یک جامعه به‌روشنی از خلال آثار ادبی از جمله سفرنامه‌ها آشکار می‌شود، تصویر زنان قابل برداشت نیست و ضروری است این تصویر شناسایی، طبقه‌بندی و تحلیل شود.

سفرنامه ابن فضلان یکی از سفرنامه‌های مشهور و مهم در ادبیات عرب است. این اثر در جایگاه یکی از نخستین سفرنامه‌های مدون مطرح است که بر سفرنامه‌های پس از خود از حیث نگرش و نوع روایت تأثیرگذار بوده و اولین اطلاعات را از برخی جوامع قرن چهارم، به‌خصوص در سرزمین‌های حوزه رود ولگا و آسیای مرکزی، ارائه می‌دهد. بخشی از تصاویر و اطلاعات *سفرنامه ابن فضلان* به تصویر زنان چهار قوم روس، ترک، بلغار و ایران اختصاص دارد. این

-
1. travelogues
 2. imagology
 3. other
 4. I
 5. comparative literature
 6. french theory

اطلاعات اساس نگرش امروز ما را از زنان قرن چهارم این جوامع، به خصوص روس و بلغار، پدید می‌آورد. به‌رغم اهمیت این مسئله تاکنون پژوهش مستقلی در این‌باره انجام نشده و در این تحقیق ما برآنیم برای نخستین‌بار تصویر زنان را در این سفرنامه براساس روش تحقیق در تصویرشناسی توصیف و تحلیل کنیم و به سؤالات اساسی پژوهش، که در بخش بعد مطرح می‌شود، پاسخ دهیم.

پرسش‌های تحقیق

۱. ابن فضلان از چه منظرهایی زنان را توصیف کرده است؟
۲. کدام‌یک از تصاویر و ویژگی‌های زنان اقوام مختلف در سفرنامه ابن فضلان برجسته‌تر است؟
۳. دلیل برجستگی برخی از تصاویر زنان اقوام در سفرنامه ابن فضلان چیست؟

پیشینه پژوهش

در حوزه تصویر زن در سفرنامه ابن فضلان، تاکنون اثر مستقلی نوشته نشده است. اما در حوزه نظری این پژوهش، یعنی «تصویرشناسی»، آثاری نوشته شده که می‌توان به مقاله «درآمدی بر تصویرشناسی؛ معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی» از بهمن نامور مطلق [۱۶] و مقاله «تصویرشناسی به‌منزله خوانش متون نثر معاصر فرانسه و فارسی» نوشته لاتیسیا نانکت [۱۷] اشاره کرد که مبانی نظری و روش‌شناسی تصویرشناسی را تا حدی تعریف و تبیین کرده‌اند. در حوزه تصویر زنان در آثار ادبی و تاریخی می‌توان به مقاله «تصویر ایزدبانوان در روایت‌های داستانی بهرام بیضایی» از رقیه وهابی دریاکناری و مریم حسینی [۱۸]، مقاله «تصویرشناسی زن‌ورانگی در آثار لویی آراگون» اثر محمدتقی غیائی و شقایق نادری مقام [۱۴] و «شاخصه‌های سیاسی - اجتماعی نگاه جاهلی به زن در متون تاریخی و روایی قرن ۲-۷ ه.ق» نوشته خدیجه عالمی و همکارانش [۱۲] اشاره کرد.

مقالاتی نیز به تصویرشناسی اقوام از رهگذر سفرنامه‌ها و آثار ادبی پرداخته‌اند که این مقالات را برمی‌شماریم: «تصویر ایران و ایرانی در سفرنامه ژان شاردن» (تأملی در انگاره‌آفرینی و کلیشه‌ها در ذهنیت سفرنامه‌نویس) نوشته فرزانه علوی‌زاده [۱۳]، مقاله «تصویرشناسی دیگری در ادبیات خودی با تکیه بر داستان خسی در میقات از جلال آل احمد» نوشته عبدالله آلبوغبیش [۱]، مقاله «تصویرشناسی ادیبان ایران از نگاه ادیبان عرب (مطالعه مورد پژوهش: صاحب بن عباد از نگاه ابن نباته، سعدی و شریف رضی)» از زهرا افزلی [۵] و مقاله «تصویرشناسی ایرانیان در تاریخ هرودوت» از احسان قبول و مینا روان‌سالار [۲۰].

در مقالاتی نیز به *سفرنامه ابن فضلان* از نگاه‌های گوناگون پرداخته شده است؛ همچون: «بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی *سفرنامه ابن فضلان*» از سید محمد ثقفی [۷] و «برداشت‌های مردم‌شناختی از *سفرنامه ابن فضلان*» نوشته علی‌رضا هاشمی [۱۹].

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله بر بنیان روش پژوهش در تصویرشناسی ادبیات تطبیقی است. بر این اساس، در گام نخست به توصیف ویژگی‌های زنان اقوام و ملل گوناگون در *سفرنامه ابن فضلان* می‌پردازیم. در گام دوم، تعداد صفات هر یک از اقوام را برمی‌شماریم و تصاویری را که برجسته‌تر بوده‌اند رده‌بندی می‌کنیم. در گام پایانی، عوامل اعتقادی، اقلیمی و شخصیتی مؤثر بر نگرش ابن فضلان به زنان را بررسی کرده‌ایم. بر این اساس، دو شاخصه اصلی تصویرشناسی حاصل می‌شود: از یک سو شناسایی ویژگی‌های دیگری که در اینجا اقوام غیر عرب باشد و از سوی دیگر شناخت ویژگی‌های سفرنامه‌نویسی از بغداد قرن چهارم. بنابراین رویکرد نظری این پژوهش توصیفی-مقایسه‌ای-آماري و فضای انجام پژوهش روش کتابخانه‌ای است.

تصویرشناسی زنان در *سفرنامه ابن فضلان*

سفرنامه ابن فضلان اثری درخور توجه است که در اوایل قرن چهارم هجری به قلم احمد بن فضلان، فرستاده مقتدر خلیفه عباسی، نوشته شده و در آن اطلاعات خاصی درباره اقوام شمالی (آسیای مرکزی و ساکنان حوضه رود ولگا) آمده است. این سفرنامه از منابع دست اول درباره این اقوام به‌شمار می‌آید؛ به طوری که مؤلفان کتب مسالک و ممالک و سفرنامه‌نویسان تا قرن‌ها بعد از اطلاعات این سفرنامه به صورت مستقیم یا با واسطه در تألیفات خویش استفاده کرده‌اند. این منبع همچنین یکی از مراجع قدیمی تاریخ این سرزمین‌ها به‌شمار می‌رود.

سفرنامه ابن فضلان از منظر علوم مختلف تاریخ، جغرافیا و مردم‌شناسی مورد توجه بوده است. در این اثر، گزارش‌ها و اطلاعات دست اولی درباره زنان نواحی یادشده وجود دارد. این اطلاعات اغلب شامل رسوم ازدواج، پوشش و زیورآلات و روابط با مردان است. این سفرنامه درباره نقش کنیزان و روابط و رسوم مربوط به ایشان نیز اطلاعات ارزشمندی به دست می‌دهد. در این بخش، این اطلاعات را از چهار منظر ازدواج، پوشش، زیورآلات و کنیزان در اقوام مختلف بررسی کرده‌ایم.

ازدواج

ازدواج یکی از ارکان حفظ نهاد خانواده است که طبیعتاً زن یکی از دو پایه اولیه آن و تا حد

زیادی تابع سنت‌های حاکم بر هر جامعه‌ای است. موضوع ازدواج و تصاویر مرتبط به آن از تصاویر قابل شناسایی در سفرنامه ابن فضلان است که وی ازدواج و مسائل مربوط به آن را در هر قوم توصیف کرده است.

۱. ترک‌ها

یکی از موضوعات برجسته‌ای که ابن فضلان درباره ترک‌ها به آن پرداخته مسائل مربوط به ازدواج است. از آنجا که شیوه زیست این قوم تفاوت‌های جدی و اساسی به لحاظ فرهنگی و اجتماعی و مذهبی با جامعه ابن فضلان دارند، مسائل مربوط به ازدواج ایشان را بازتاب داده است. ازدواج بدون اختیار زنان و دختران ترک از موضوعاتی است که در این سفرنامه غیر مستقیم به آن اشاره شده است. ابن فضلان در این باره می‌نویسد:

رسم ازدواج آنان این است که یکی از ایشان از میان زنانی که در خانه‌اش هستند، دختر یا خواهر و یا کسی را که صاحب اختیار اوست در مقابل چند لباس خوارزمی برای فرد دیگری انتخاب می‌کند. اگر قبول کرد، زن را برای خود می‌برد [۲، ص ۶۳].

بنابراین، زنان ترک حق انتخاب برای ازدواج نداشته و مطیع خواسته سرپرست خود بوده‌اند. در واقع، آن‌ها مانند کالایی با کالای نه‌چندان ارزشمند دیگری (چند لباس خوارزمی) معاوضه می‌شدند. نکته دیگری که از این جمله برداشت می‌شود این است که پیشنهاد ازدواج و خواستگاری در میان ترک‌ها از طرف خانواده زن صورت می‌گرفته است. این ارزش پایین زنان و شیوه خواستگاری و رفتن ایشان به خانه شوهر با آنچه در سنت‌های دینی و جامعه ابن فضلان بوده تفاوت دارد؛ بنابراین، در اثر وی بازتاب یافته است.

ازدواج با همسر پدر از رسوم دیگر رایج بین ترک‌ها بوده است. ابن فضلان در این رابطه می‌نویسد: هرگاه مردی بمیرد و همسر و فرزند داشته باشد، پسر بزرگش با همسرش، در صورتی که مادر او نباشد، ازدواج می‌کند [۲، ص ۶۳] (۱).

این سنت قبل از اسلام در میان اعراب نیز مرسوم بوده و آن را «زواج المقت» می‌گویند. مقت به معنای «دشمن داشته شده» و زواج المقت به معنای «ازدواج مبعوض» است [۹، ذیل مقت]. دلیل نام‌گذاری این است که با ظهور اسلام این رسم در قرآن نهی شده است (۲). دلیل تأکید ابن فضلان و نگرش منفی او به این‌گونه ازدواج می‌تواند مغایرت آن با اسلام و پیش‌فرض‌های اعتقادی او باشد.

ابن فضلان درباره مهریه زنان ترک می‌نویسد:

مهریه (۳) زنان ترک عبارت از چند شتر یا چهارپا یا چیزهای دیگر است [۲، ص ۶۳].

بنابراین ترک‌ها برای مهریه زنان‌شان همان اجناس و اشیائی را برمی‌گزیدند که در زندگی روزمره‌شان کاربرد داشته و در واقع جزئی از ضروریات زندگی آن‌ها بوده است. سپس چنین اضافه می‌کند:

هیچ‌کس تا وقتی مهریه توافقی شده را پرداخت نکرده نمی‌تواند به همسرش دسترسی پیدا کند. هرگاه مهر را داد، بدون ترس به خانه‌ای که زن در آنجاست داخل می‌شود و در حضور پدر و مادر و برادران و خواهرانش با او نزدیکی می‌کند و آن‌ها مانع این کار نمی‌شوند [۲، ص ۶۳].

روابط بی‌پرده زنان و مردان ترک مورد تأکید و شگفتی ابن فضلان بوده است و آن را نشان از نوعی عقب‌ماندگی و بی‌تمدنی ترکان قلمداد می‌کند. این تأکید نیز در تفاوت‌های فضای زیست و اجتماعی ابن فضلان با محیط جدید و رفتارهای متفاوت مردمان آن ریشه دارد.

۲. بلغارها

زنان در میان بلغارها تا دو سال پس از مرگ شوهرشان اجازه ازدواج ندارند.

زنان بلغار برای مردگان نمی‌گیرند، بلکه مردان بر مردگان گریه می‌کنند. مراسم عزاداری آن‌ها دو سال به طول می‌انجامد و در طی این دو سال همسر شخص مرده نمی‌تواند ازدواج کند؛ اما پس از بیرون آمدن از عزا ازدواج می‌کند [۲، ص ۹۸-۹۹].

با توجه به اینکه ظاهراً مردان این اجازه را داشته‌اند که بدون محدودیت زمانی پس از مرگ همسرشان ازدواج کنند، این محدودیت زمانی برای زنان بیانگر غلبه سنت‌های مردگرایانه در میان بلغارها بوده است. همچنین، گریه‌نکردن زنان و گریستن مردان بر مردگان برای ابن فضلان تعجب‌برانگیز است؛ زیرا خلاف سرشت طبیعی زنانه و مردانه تلقی می‌شود و این با سنت‌ها و شرایط حاکم بر محل زیست وی متفاوت است.

۳. ایرانی‌ها

ابن فضلان در ایران به‌جز مهریه به موضوع دیگری در ارتباط با زنان اشاره نمی‌کند. دلیل کم‌رنگی تصویر زنان ایرانی در *سفرنامه ابن فضلان* را می‌توان شباهت زنان ایرانی و زنان جامعه او به لحاظ آداب اجتماعی و پوشش و روابطشان با مردان دانست که این شباهت‌ها برخاسته از عوامل مشترک دینی و فرهنگی بین کشور خودی و بیگانه است.

وی مهریه زنان بخارا را چنین بیان کرده است:

شرط ایشان برای مهریه زنانشان این‌گونه است: فلانی پسر فلان، دختر فلان را با ... و یک هزار درهم غطریفی به ازدواج خود درآوردم [۲، ص ۴۸].

بنابراین، درهم غطریفی جزئی از مهریه زنان بخارا بوده است. وی در جایی دیگر از این سفرنامه این درهم را درهم رایج در بخارا شمرده و یکصد دانه آن را معادل یک درهم نقره دانسته است [۲، ص ۴۸].

یاقوت حموی در *معجم‌البلدان* این درهم را از ترکیب آهن و مس زرد و سرب و فلزات دیگر می‌داند که به‌جز بخارا و بخش‌هایش در جای دیگری رواج نداشته است [۸، ص ۸۳]. آنچه باعث جلب توجه ابن فضلان درباره ازدواج ایرانیان شده نوع درهم مهریه بوده است که پس از آن تأکید می‌کند مردم بخارا به واسطه همین نوع از درهم خانه‌ها و بردگان را نیز معامله می‌کنند.

براساس توصیفات ابن فضلان درباره ازدواج سه قوم ترک، بلغار و ایرانی و نگرش ارزش گذارانه وی، جدول ذیل قابل برداشت است:

جدول ۱. توصیفات ابن فضلان و نگاه ارزش گذارانه وی به اقوام ترک، بلغار و ایرانی درباره ازدواج

ایرانیان	بلغارها	ترکان
مهریه هزار درهم × غطفینی	اجازه نداشتن زنان برای ازدواج تا دو سال بعد از مرگ شوهر × گریه نکردن زنان بر مرگ شوهر	ازدواج زن در برابر چند لباس خوارزمی - خواستگاری قیم زن از مرد ازدواج با همسر پدر - مهریه‌ای در حد چند شتر یا چهارپا - هم بستری با دختر در برابر خانواده - پس از پرداخت مهریه

ابن فضلان درباره ازدواج ترکان ۵ تصویر را بیان کرده است که همگی سیاه و منفی است و نگرش کاملاً منفی وی به ازدواج ترکان را نشان می‌دهد. درباره بلغارها ۲ تصویر را نشان داده که یکی منفی و دیگری خنثی و به دور از هرگونه نگاه ارزشی است که در مجموع نگرش منفی او را آشکار می‌کند؛ اما در مورد ایرانیان فقط یک تصویر را ارائه کرده و آن نیز خنثی است و بیشتر قصد معرفی نوع سکه رایج در بخارا را داشته است.

نوع پوشش و روابط جنسی

نوع پوشش هر قوم تابع شرایط محیطی و آب‌وهوایی، سنت‌ها و عقاید ایشان است. آنچه ابن فضلان را واداشته که درباره پوشش زنان اقوام مختلف سخن بگوید تفاوت‌های فاحشی است که با پوشش زنان مسلمان مشاهده کرده و به تبع آن روابط جنسی نامشروع و مجازات‌های آن را توصیف کرده است.

۱. ترکان

یکی از موضوعاتی که پس از دیدن سرزمین ترکان بر ابن فضلان بسیار تأثیرگذار بوده و در سفرنامه او نمودی آشکار دارد، بی‌پردگی زنان این قبایل است. وی درباره زنان قبیلۀ غز می‌نویسد:

زنان ایشان خود را از مردانشان و از هیچ کس دیگر نمی‌پوشانند. همچنین زن هیچ چیز از بدنش را از کسی پنهان نمی‌کند [۲، ص ۶۲].

سپس در همین رابطه صحنه‌ای بسیار زننده را که به چشم خود دیده است توصیف می‌کند. ابن فضلان پس از دیدن این رفتار بی‌پرده چشمانش را می‌بندد و استغفار می‌کند. همسر زن می‌خندد و در پاسخ می‌گوید:

آن را پیش‌روی شما باز کند و ببینید و آن را حفظ کند و دست کسی به آن نرسد، بهتر از

آن است که آن را بپوشاند و به آن دست بیاورد [۲، ص ۶۲].

ابن فضلان بلافاصله بعد از توصیف این بی‌پردگی درباره این قوم می‌گوید:

ایشان با زنا کار ندارند و اگر هم چنین اتفاقی بیفتد، مجازات سنگینی برای آن در نظر گرفته‌اند [۲، ص ۶۲].

مجازات زناکار این است که او را به دو نیم می‌کنند. به این صورت که شاخه‌های درخت را به هم نزدیک می‌کنند و او را به شاخه‌ها می‌بندند. سپس درختان را رها می‌کنند و کسی که به آن بسته شده دو نیم می‌شود [۲، ص ۶۳]. براساس متن، اولین فرضیه‌ای که به ذهن ابن فضلان خطور کرده است رواج زنا و روابط جنسی آزاد میان این قوم بی‌پرده است؛ اما او بی‌درنگ فرضیه خود را رد می‌کند و به دلیل مجازات سنگین برای زناکاران انجام دادن آن را از جامعه ترکان دور می‌داند. از این نوع نگرش ابن فضلان می‌توانیم استنباط کنیم وی مجازات سنگین برای زنا و اجرای آن در ملأ عام را عاملی برای دوری از ارتکاب جرم می‌داند که به دلیل مطابقت آن با احکام اسلامی به این بخش نگرش مثبت و تأییدکننده دارد.

۲. بلغارها

براساس توصیف ابن فضلان در میان زنان بلغار نیز پوشیدگی و پردگی مشاهده نمی‌شود. وی مردان و زنان سرزمین بلغار را درحالی که در رودخانه برهنه شست‌وشو می‌کنند بدون اینکه خود را از یکدیگر بپوشانند مشاهده کرده است [۲، ص ۸۹]. وی با دیدن چنین صحنه‌هایی سعی در نصیحت و هدایت این مردم داشته؛ ولی خود اذعان دارد که تلاش و کوشش وی و دیگر همراهانش در این مورد بی‌فایده بوده است.

بین بلغارها نیز ابن فضلان به‌رغم بیان برهنگی زنان و مردان به آمار ناچیز زنا بین آن‌ها اشاره می‌کند و مجازات زناکار را بیان می‌دارد. وی می‌نویسد:

هرکس از ایشان زنا کند، هر که باشد، چهار میخ برایش نصب می‌کنند و دست و پاهایش را به آن می‌بندند و از گردن تا ران‌هایش را با داس قطعه‌قطعه می‌کنند.

سپس می‌افزاید:

این مجازات را برای زن زناکار نیز انجام می‌دهند. سپس هر قطعه از بدن آن‌ها را بر درختی آویزان می‌کنند [۲، ص ۸۹].

همچنین او از خلعتی یاد می‌کند که در مراسمی رسمی بر همسر پادشاه بلغار می‌پوشانند که

این عمل را از رسوم ایشان نام می‌برد [۲، ص ۷۶] و توصیفی مثبت از این مراسم بیان می‌کند.

بیان نکردن مطالبی از پوشش روس‌ها و ایرانیان بیانگر جلب توجه نکردن پوشش ایشان برای ابن فضلان است که این می‌تواند به دلیل شباهت پوشش ایشان با زنان جامعه وی یا پوشش آن باشد. درباره ایرانیان عقاید مشترک و نوع فرهنگ ایشان پوشش زنان را الزامی کرده است و درباره روس‌ها هوای سرد آن منطقه.

جدول ۲. توصیفات ابن فضلان و نگاه ارزش گذارانه وی به اقوام ترک، بلغار درباره نوع پوشش و روابط جنسی

بلغارها	ترکان
- پنهان نکردن اعضای جنسی از دیگران	- پنهان نکردن هیچ یک از اعضای بدن از مردان
+ مجازات سنگین زناکاران	- بی تعصبی مردان به آشکار شدن اعضای جنسی زنانشان
+ نبود عمل زنا در میان ایشان	+ اطمینان از زنا نکردن زنان
+ پوشیدن خلعت همسر شاه بلغارها	+ نبود عمل زنا در میان آن قوم
	+ مجازات سنگین برای زناکاران

در این بخش از مجموعه سخنان ابن فضلان درباره ترکان ۵ تصویر شامل ۳ تصویر مثبت و ۲ تصویر منفی و درباره بلغارها نیز از مجموع ۴ تصویر ۳ تصویر مثبت و یک تصویر منفی قابل برداشت است. تصاویر منفی زمانی است که عین روابط و اندام‌های جنسی و بی‌پردگی ایشان را ذکر می‌کند و تصاویر مثبت عموماً مربوط به مجازات‌های سنگین و در نتیجه مبرا بودن جامعه از زناست.

زیورآلات

ابن فضلان کمتر از زیبایی زنان اقوام دیگر و جذابیت‌های اندامی ایشان سخن به میان آورده است. توصیفی که وی از ظاهر زنان کرده عموماً مربوط به زیورآلات است و تصاویر مربوط به زیورآلات متمرکز بر زنان روسی است. اینکه زیورآلات زنان ایرانی جلب توجه ابن فضلان را نکرده است به دلیل پوشیدگی زنان ایرانی بوده و نبود تصویر از زیورآلات زنان ترک نیز می‌تواند دلایلی چون نداشتن زیورآلات به دلیل فقر اقتصادی یا پایین بودن سطح مدنیت ایشان باشد که زنانشان هنوز به مرحله‌ای نرسیده‌اند که از عناصر تجملی استفاده کنند یا اینکه ویژگی‌هایی دیگر از این زنان مانند برهنگی در ذهن وی ماندگار شده است که وی را از توصیف زیورآلات ایشان بازداشته است.

۱. روس‌ها

یکی از زینت‌های زنان روس مهره‌های سبزی از جنس سفال بوده که مردانشان در کشتی‌ها آن‌ها را به قیمت یک درهم خریداری و برای همسران خود گردنبنند درست می‌کردند [۲]، ص ۱۰۳. نوعی زینت دیگر هم بین زنان روس رواج داشته که در نوع خود منحصر به فرد است. ابن فضلان درباره این زینت زنان روس می‌نویسد:

هر زنی از ایشان حقه‌هایی (۴) از آهن یا نقره یا مس و یا طلا به تناسب دارایی شوهر بر پستانش بسته شده، در هر حقه، حلقه‌ای وجود دارد که یک کارد به آن و به پستان بسته شده است [۲، ص ۱۰۲] (۵).

زن روس از نوعی زینت دیگر نیز استفاده می‌کردند که نشان‌دهنده میزان دارایی شوهرانشان بوده است. به گفته ابن‌فضلان:

هرگاه مردی صاحب ده هزار درهم می‌شد، یک طوق برای همسرش می‌ساخت. به همین نسبت در مقابل هر ده هزار درهم که به دارایی او افزوده می‌شود، یک طوق به طوق‌های همسرش اضافه می‌کند. گاهی در گردن یکی از آنها تعداد زیادی طوق است [۲، ص ۱۰۲] (۶).

از توصیفات ابن‌فضلان درباره زیورآلات زنان روس می‌فهمیم که میان زیورآلات زنان روس و شوهرانشان ارتباط مستقیم بوده است. به این صورت که یا این زیورآلات از سوی شوهران برای زنان ساخته می‌شده یا این زیورآلات بیانگر ثروت شوهران بوده است. وجود چنین رسمی همچنین علاقه‌مندی مردان روس به تظاهر و تفاخر به ثروتشان را نشان می‌دهد که آن را به واسطه نوع زیورآلات همسرانشان آشکار می‌ساختند. آشکاربودن پستان زنان نیز بیانگر نداشتن تعصب به رؤیت اندام‌های جنسی زنانشان بوده است.

۲. بلغارها

درباره زنان بلغار ابن‌فضلان فقط از همسر پادشاه بلغار یاد می‌کند که در مراسمی رسمی در کنار او حضور می‌یابد. وی نقل می‌کند که:

مهمانان هدیه‌هایشان را که شامل عطر، لباس و مروارید مخصوص شاه و همسرش بوده، یکی یکی به آنان تقدیم می‌کردند. سپس اضافه می‌کند همسر شاه را درحالی که در کنار او نشسته بود خلعت پوشاندم. این سنت و رسم آن‌هاست [۲، ص ۱۷۶].

از این تصویر می‌توان به جایگاه والای همسر پادشاه بلغار پی برد و اینکه از میان فلزات گران‌بها و سنگ‌های ارزشمند، مروارید به‌عنوان هدیه ردّ و بدل می‌شده است؛ هرچند برهنگی همسر پادشاه بلغار برای ابن‌فضلان ناخوشایند بوده است.

جدول ۳. توصیفات ابن‌فضلان و نگاه ارزش‌گذارانه وی به اقوام ترک، روس و بلغار درباره زیورآلات

بلغارها	روس‌ها
- هدیه دادن مروارید به همسر شاه بلغار	- ساخت گردن‌بند سفالین توسط شوهران
	- بستن حقه‌هایی از انواع فلزات به پستان به تناسب دارایی شوهر
	+ انداختن طوق گردن به ازای هر ۱۰ هزار درهم درآمد شوهر

ابن‌فضلان ۳ تصویر درباره زیورآلات زنان روس بیان کرده که ۲ تصویر منفی و یک تصویر مثبت است و یک تصویر منفی هم مربوط به زنان بلغار است. علت این تصویر منفی برهنگی زنان روس و بلغار در آشکارکردن زیورآلات است که در اعتقادات ابن‌فضلان ریشه دارد.

کنیزان

کنیزان یکی از طبقه‌های مهم اجتماعی جوامع گذشته را تشکیل می‌داده‌اند و در اکثر جوامع پیشین شاهد طیف وسیعی از ایشان هستیم. یکی از نمونه‌های زنان در سفرنامه ابن فضلان همین کنیزان‌اند. ابن فضلان درباره تصویر کنیز اطلاعاتی از ایرانیان ارائه نمی‌دهد. تصویری از کنیزان مغولان توصیف می‌کند، اما تصاویر ارائه‌شده او از بلغارها و به‌خصوص روس‌ها زیاد و متنوع است که این به دلیل نقش عمده کنیزان در میان ایشان بوده است و نیز تفاوت‌هایی که میان این طبقه اجتماعی با آنچه او در بغداد یا فرهنگ‌های مشابه مانند ایران می‌دیده است.

۱. روس‌ها

یکی از اولین تصاویری که ابن فضلان درباره کنیزان روس توصیف می‌کند رواج تجارت ایشان بوده است [۲، ص ۱۰۳]. بنا بر توصیفات ابن فضلان کنیزان در میان روس‌ها سه کارکرد اساسی داشته‌اند: یکی انجام‌دادن کارهای خانه مانند شست‌وشو، تهیه غذا و آشامیدنی و دوم برآورده کردن نیازهای جنسی مالکانشان و سوم نشان‌دادن ثروت و شکوه مالکان. ابن فضلان حاصل مشاهداتش را این‌گونه بیان می‌کند که کنیز هر روز ظرف آبی نزد مالک خود می‌برد و او در آن آب سر و صورت خود را می‌شوید و موی خود را شانه می‌کند. گزارش ابن فضلان از چنین صحنه‌هایی با توصیفات مشتمل‌کننده‌ای همراه است [۲، ص ۱۰۳].

روابط جنسی روس‌ها با کنیزانشان بسیار آشکار و بی‌پرده بوده است. ابن فضلان در این باره می‌نویسد: آن‌ها برای تجارت کنیزانی بسیار زیبا به همراه دارند. هریک کنیزش را در آغوش می‌گیرد؛ درحالی‌که دوستش او را می‌بیند. سپس می‌افزاید: گاهی گروهی از آن‌ها برای این کار جمع می‌شوند و در حضور هم این کار را می‌کنند. گاهی بازرگانی برای خرید کنیز نزد آن‌ها می‌رود و می‌بیند که او با کنیزی هم‌آغوش است و او را رها نمی‌کند تا نیازش از او رفع شود [۲، ص ۱۰۳]. ماندگاری این تصاویر در ذهن ابن فضلان و توصیف مفصل و همراه با جزئیات آن می‌تواند به دلیل تفاوت آن‌ها با شاکله و شبکه ذهنی و اعتقادی او باشد.

ابن فضلان ضمن نقل مطالبی عجیب درباره مراسم دربار پادشاه روس می‌نویسد:

تخت وی بزرگ است و چهل کنیز همراه وی بر آن می‌نشینند. او گاهی در حضور همراهانش با کنیز خود هم‌بستر می‌شود. با هرکدام از همراهان شاه نیز کنیزی است که به او خدمت می‌کند و سر او را شست‌وشو می‌دهد و غذا و آشامیدنی برایش آماده می‌سازد و کنیز دیگری که با او می‌خواهد [۲، ص ۱۰۳].

در این سفرنامه، گزارش مبسوطی از مراسم سوزاندن جسد یک مرد ثروتمند روس به همراه کنیزش وجود دارد. ابن فضلان ضمن ارائه توصیفی بسیار دقیق و عینی از مراسمی که به چشم خویش دیده است، واقعیت تلخی را درباره روس‌های قرن دهم میلادی در تاریخ ثبت کرده است. طبق آنچه در این سفرنامه آمده، روس‌ها بعد از مرگ مرده‌هایشان به سراغ کنیزان و

غلامان او می‌روند و از آن‌ها می‌پرسند چه کسی از شما با او می‌میرد؟ بنابه گزارش ابن‌فضلان، اغلب کسانی که داوطلب این کار می‌شوند از کنیزان هستند. بنابراین کنیزان تحت تأثیر عواطف و احساسات تن به این کار می‌دهند. وقتی کنیزی داوطلب این کار شود، دیگر او را رها نمی‌کنند و نمی‌تواند از این کار انصراف دهد. آن‌ها دو کنیز دیگر بر او می‌گمارند تا همه کارهایش را انجام دهند و مراقب او باشند [۲، ص ۱۰۵]. کنیز هر روز به نوشیدن شراب و خواندن آواز و شادی و سرور مشغول است [۲، ص ۱۰۶]. این شادی و سرور نشان می‌دهد که از نظر روس‌ها کنیزک به‌زودی به جایگاه مهمی دست می‌یابد. بنابراین، این عمل برای آن‌ها عملی مقدس و آیینی مذهبی به شمار می‌آمده است. رفتار و سخنان کنیزک در زمان انجام دادن مراسم نیز مؤید این مطلب است. قبل از سوزاندن کنیز چند مرد طی مراسمی خاص کنیزک را روی دستان خود بالا و پایین می‌کنند و کنیزک هر بار چیزی می‌گوید. او ادعا می‌کند که هر بار پدر و مادر و نزدیکانش را می‌بیند که در بهشت هستند و آخرین بار چنین می‌گوید:

اکنون سرورم را می‌بینم که در بهشت نشسته، چه بهشت زیبا و خرمی، مردان و غلامان همراه اویند و او مرا می‌خواند، مرا نزد او ببرید [۲، ص ۱۰۶].

گویی کنیزک تحت تأثیر باده‌نوشی چندروزه و تلقینات مذهبی دچار توهم شده و هذیان می‌گوید. به هر روی، آنچه ابن‌فضلان توصیف کرده، بیانگر بی‌اختیار بودن کنیزک و مجبور بودن او در تن دادن به این مراسم است.

ابن‌فضلان از حضور فعال زنی دیگر در این مراسم خبر داده است. این زن ملک‌الموت خوانده می‌شده و عهده‌دار اجرای این مراسم است. توصیف ابن‌فضلان از وی تداعی گر جادوگران و ساحره‌هاست. سرانجام، نیز همین پیرزن با فرو بردن خنجری در پهلوی کنیزک او را می‌کشد. در ادامه مراسم، کنیزک را به سوی قایقی که مرده در آن است می‌برند. او زیورآلات خود را درمی‌آورد و به ملک‌الموت می‌دهد. سپس مردانی با سپر و چوب جلو می‌آیند و به او یک جام شراب می‌دهند. پیرزن او را به رفتن به درون چادری که مولایش در آن بود تشویق می‌کند. در این هنگام است که کنیزک حیرت‌زده به تردید می‌افتد. پیرزن سر او را می‌گیرد و به درون چادر می‌برد و مردها با چوب بر سپرها می‌کوبند. کوبیدن مردان بر سپرها طبق گفته ابن‌فضلان برای این است که کنیزان دیگر فریاد کنیزک را نشنوند؛ مبادا که نخواهند با مولایان خود بمیرند [۲، ص ۱۰۹].

بعد از اینکه پیرزن کنیز را به درون چادر برد، شش نفر مرد داخل چادر می‌شوند و همگی به کنیزک تجاوز می‌کنند. این رفتار در طی روزهای قبل هم انجام می‌شده و کنیز مدام در بین چادرهای آنان در رفت‌وآمد بوده است. هریک از مردان بعد از تجاوز به او می‌گویند به مولایت بگو برای محبت به او این کار را کردم. سپس کنیز را در کنار مرده می‌خوابانند و دو نفر دو پا و دو نفر دو دست او را می‌گیرند. پیرزن ریسمانی به گردن او می‌اندازد و آن را به دو نفر می‌دهد

تا بکشند و خود خنجری را در چند جای دنده‌های کنیز فرومی‌برد. سپس کنیز را به همراه مرده می‌سوزانند [۲، ص ۱۰۹].

یکی از تصاویر کاملی که در سفرنامه ابن فضلان مشاهده می‌کنیم همین تصویر قربانی شدن کنیزی است که به مرد مرده روسی تعلق داشت. از رهگذر این مجموعه تصاویر جایگاه بسیار نازل کنیزان و ظلم به ایشان در میان قوم روس آشکار می‌شود.

جادوگر و ساحره میان روسان نیز از جنس زنان است. او مسئول برپایی مراسم قتل کنیز و سوزاندن جسد ارباب روسی است. ابن فضلان کاملاً تصویر منفی از وی به نمایش می‌گذارد. او فریبکاری است که به مکر و نیرنگ کنیزک را اغوا می‌کند تا داوطلب مرگ شود. القائاتی را بر زبان او جاری می‌کند، اجازه نمی‌دهد دیگر کنیزان صدای وحشتش از مرگ را بشنوند تا در مراسم‌های بعدی بی‌داوطلب بماند. زیورآلات کنیزک را برای خود می‌ستاند و سرانجام هم اوست که کنیزک را به قتل می‌رساند.

۲. بلغارها

ابن فضلان درباره کنیزان بلغار بیشتر متوجه نوع غذا و ارتباط غذا و هیكلشان بوده است. وی خوراک کنیزان این منطقه را شوربایی معرفی می‌کند که فقط از جو تهیه می‌شده است. گاهی هم این شوربا را با گوشت می‌پخته‌اند که در این صورت گوشت خوراک اربابان بوده و جو سهم کنیزان [۲، ص ۸۷]. نوع غذای یکنواخت و ساده این کنیزان و اختصاص بخش‌های بهتر آن به اربابانشان بیانگر طبقه بسیار پایین اجتماعی ایشان بوده است.

به گفته ابن فضلان نوعی سیب در سرزمین بلغارها وجود داشته که کنیزان از آن می‌خوردند تا فربه شوند [۲، ص ۸۹] (۷). این گزارش از یک سو سلیقه مردان بلغار را درباره کنیزانشان بیان می‌کند و از سوی دیگر مردسالاری جامعه بلغارها را که کنیزان تلاش خود را می‌کنند تا فربه شوند و مورد توجه اربابشان قرار گیرند. همچنین ابن فضلان از رهگذر این تصاویر به صورت غیرمستقیم کارکرد جنسی کنیزان را نیز بیان می‌کند، اما ظاهراً به دلیل آشکار نبودن این گونه روابط جنسی- برخلاف روس‌ها- تصاویر و توصیفات را ارائه نمی‌دهد.

۳. ترک‌ها

از نظر ابن فضلان یکی دیگر از رسوم عجیب در میان ترکان این بوده است که هنگام بیماری کسی از نزدیکان فرد بیمار به او نزدیک نمی‌شده و فقط کنیزان و غلامان به او خدمت می‌کرده‌اند تا زمانی که بیمار بهبود یابد یا بمیرد [۲، ص ۶۶]. براساس این تصویر نیز مشاهده می‌کنیم که کنیزان و غلامان در قوم ترک به چشم قربانی نگریسته می‌شده‌اند.

ابن فضلان در جایی دیگر یکی از زنان ترک را دیده که برای همسرش که از بزرگان بوده و از دنیا رفته است مقداری هدیه می‌برد و آن را زیر خاک دفن می‌کند [۲، ص ۶۸]. این کار

اعتقاد ترکان را مبنی بر وجود دنیای پس از مرگ نشان می‌دهد و بیانگر دو موضوع است: نخست نگرش خرافه‌پرستی‌ای که ابن فضلان از ترکان روایت می‌کند و دیگر روابط صمیمانه و وفاداری زنان ترک به شوهرانشان را آشکار می‌کند.

جدول ۴. توصیفات ابن فضلان و نگاه ارزش‌گذارانه وی به اقوام روس، بلغار و ترک درباره کنیزان

ترکان	بلغارها	روس‌ها
- خدمت به بیماران و پیش‌مرگ‌شدن	x غذای شوربای جو	- نظیف‌نبودن مالکان
x دفن هدیه برای شوهر مرده	- غذای شوربای جو و گوشت و اختصاص گوشت به ارباب	- روابط آشکار جنسی اربابان
	x فربه کردن کنیز برای جلب توجه ارباب	- تجاوز جنسی دوستان ارباب
		- گماردن کنیز برای تجار
		x ۴۰ کنیز همراه با پادشاه روس
		- هم‌بستری آشکار شاه روسان با کنیزانش
		- آماده‌سازی غذا و آشامیدنی
		- داوطلب‌شدن کنیز برای مردن همراه با مالکش
		x گماردن دو کنیز بر کنیز داوطلب مرگ
		- شراب‌نوشی و شادی کنیز قبل از کشته‌شدنش
		- بیان جملاتی قبل از مرگ مبنی بر دیدن بهشت و اربابش
		- پیرزن ساحره و فریبکاری‌هایش
		- تجاوز به کنیز توسط دوستان مرد مرده روسی
		- قتل و سوزاندن کنیز توسط پیرزن ساحره

بیشترین تصاویر زنان در سفرنامه ابن فضلان مربوط به کنیزان است. در این بخش ابن فضلان ۱۴ تصویر از کنیزان روسی ارائه کرده است که ۱۲ تصویر منفی و ۲ تصویر خنثی است. هفت تصویر مربوط به مراسم سوزاندن ارباب مرده روسی است که مشخص است این مراسم سخت توجه ابن فضلان را به خود جلب کرده است. براساس ۱۲ تصویر منفی ارائه‌شده روشن است ابن فضلان نگاهی کاملاً منفی به شیوه رفتار با کنیزان روسی دارد. وی در مورد

بلغارها و ترکان نیز هریک ۳ تصویر ارائه کرده است که یک تصویر منفی و ۲ تصویر خنثی توصیف شده است.

نتیجه گیری

در مجموع، ۴۱ تصویر از زنان در سفرنامه ابن فضلان ارائه شده است. تعداد ۲۲ تصویر مربوط به روس‌ها (۱۴ منفی و ۸ مثبت)، ۱۰ تصویر مربوط به بلغارها (۴ منفی، ۳ مثبت و ۳ خنثی)، ۸ تصویر مربوط به ترکان (۶ منفی و ۲ خنثی) و یک تصویر خنثی به زنان ایرانی. از مجموع این تصاویر برمی‌آید که نگرش ابن فضلان به زنان اقوام مختلف در مجموع منفی بوده است (با ۲۴ تصویر منفی). تعداد ۱۱ تصویر مثبت در ذهن او از ایشان حک شده است و از ۶ تصویر هم نمی‌توان به نگرش ارزشی وی پی برد. ریشه‌ی اساسی تصاویر منفی و مثبت از زنان به اعتقادات اسلامی و سنت‌های حاکم بر جامعه او بازمی‌گردد؛ بنابراین می‌توان اعتقادات و سنت‌های جامعه ابن فضلان را دو عامل اساسی در نگرش ارزشی وی به زنان اقوام معرفی کرد.

چنان‌که ملاحظه شد، ابن فضلان درباره‌ی زنان ایرانی تصاویر بسیار کمی را توصیف می‌کند، زیرا میان فرهنگ و شیوه‌ی زیست او در جایگاه «من» و ایرانیان در جایگاه «دیگری» تفاوت بسیار کم است. بنابراین، تصویری توجه او را جلب نمی‌کند و عموم تصاویر برای او آشناست. همچنین با توجه به غلبه‌ی تصاویر منفی برای زنان اقوام غیر ایرانی، نبود این‌گونه تصاویر منفی برای زنان ایرانی خود می‌تواند مؤید نگرش مثبت ابن فضلان به ایشان باشد، زیرا تصاویر منفی همچون روابط جنسی آشکار، آشکارنمودن اعضای بدن، جایگاه فروپایه اجتماعی و ... برای ایشان بیان نشده است.

آنچه عموماً توجه ابن فضلان را درباره‌ی زنان اقوام دیگر به خود جلب می‌کند برهنگی زنان و روابط جنسی آشکار بوده است، زیرا این مسائل در جامعه مسلمان ابن فضلان تابو تلقی می‌شده‌اند و اکنون مشاهده آن‌ها آن‌چنان در ذهن وی حک شده که پس از سال‌ها که سفرنامه خویش را می‌نویسد تصاویر این تابوها از یاد او نمی‌رود و آن‌ها را تا حد امکان توصیف می‌کند و به نمایش می‌گذارد. باید در نظر داشت که ابن فضلان از سرزمینی می‌آید که در اوج فرهنگ، تمدن و قدرت سیاسی زمانه خویش بوده است؛ بنابراین آنچه در این‌گونه سرزمین‌ها می‌بیند در نظرش غریب و پست جلوه می‌کند و در مجموع در این سفرنامه شاهد نگاهی فرادست به اقوامی فردوست هستیم. همچنین در دربار عباسیان که ابن فضلان در آنجا رشد یافته است، زنان جایگاه پرنفوذ سیاسی داشته‌اند و در بعضی ادوار عملاً قدرت در دست ایشان بوده است. از این‌رو، وی از یک‌سو شاهد جایگاه پرنفوذ سیاسی زنان در دربار خلفای عباسی در بغداد است (۸) و از سوی دیگر زنانی را در اقوام روس و بلغار و ترک می‌بیند که فاقد آن جایگاه و تأثیرگذاری‌اند. بنابراین، در پی آن برمی‌آید که این تفاوت‌ها را وصف کند.

یادداشت‌ها

۱. مقصودی ترکمن‌های ایران را از اقوام ترک آسیای مرکزی می‌داند که در قرن شش هجری به ایران مهاجرت کرده‌اند. وی ازدواج با برادر شوهر را رسمی رایج در میان ترکمن‌های ایران می‌داند [۱۵]. بنابراین، این رسم ترکمن‌های ایران احتمالاً همان رسم ترک‌های زمان ابن فضلان است که پس از پذیرفتن اسلام صورتی منطبق با احکام اسلامی پیدا کرده است. بین قبایل نوئر در سودان و نیز در میان اسرائیلی‌های باستان هم این رسم وجود داشته است [۲، ص ۱۷۰].
۲. ولا تنکحوا ما نکح اباؤکم من النساء الا ما قد سلف آته کان فاحشة و مقتاً و ساء سببلا. (نساء/ ۲۲).
۳. ابن فضلان از اصطلاح «مهر» استفاده کرده است؛ ولی با توجه به توضیحات وی درباره کیفیت آن در میان قبایل ترک، مسلم است که این رسم با آنچه در اسلام به منزله مهریه وجود دارد متفاوت است.
۴. قوطی یا ظرف کوچک که در آن جواهر یا چیز دیگر می‌گذارند [۹، ذیل حقه]
۵. امین احمد رازی از مؤلفانی است که این مطلب را از ابن فضلان نقل کرده است. وی چنین ادامه می‌دهد: «آن‌ها این حقه‌ها را از طفلی باز بر پستان‌ها بندند تا به حال خود بماند و کلان نشود» [۱۰، ص ۴۹۵].
۶. نویسندگان دیگر از اطلاعات ابن فضلان درباره زنان روس استفاده فراوانی کرده‌اند. اغلب کسانی که درباره این سرزمین قلم رانده‌اند تحت تأثیر اطلاعات این سفرنامه هستند. یکی از این مؤلفان محمدبن احمد طوسی است که درباره زیورآلات زنان روس همان مطالب ابن فضلان را نقل کرده است [۱۱، ص ۲۲۹].
۷. به نظر می‌رسد این نوع سلیقه در گذشته همه‌گیر بوده و زنان فربه همواره مورد توجه و پسند مردان در جوامع مختلف بوده‌اند. سلیقه اشراف بدخشان در سفرنامه مارکوپولو نیز همین است. مارکوپولو در این باره می‌گوید:
زنان شلوارهای گشادی به پا می‌کنند که گاهی اوقات برای تهیه آن‌ها از هفتاد هشتاد بازو پارچه استفاده می‌شود، زیرا مردان اینجا زنان درشت‌هیکل را دوست دارند [۶، ص ۵۸].
۸. نک: مقدمه سامی الدهان (۱۹۵۹) بر *رحلة ابن فضلان الی بلاد التترک و الروس و الصقالبه*: ۱۸.

منابع

- [۱] آلبوغبیش، عبدالله (۱۳۹۴)، «تصویرشناسی دیگری در ادبیات خودی با تکیه بر داستان خسی در میقات از جلال آل احمد»، نشریه *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، دوره ۵، ش ۱۹، ص ۲۵-۱.

- [۲] ابن فضلان، احمد (۲۰۰۳)، *رحلة ابن فضلان الى بلاد الترك و الروس و الصقالبة، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.*
- [۳] ابن فضلان، احمد (۱۹۵۹)، *رسالة ابن فضلان في وصف الرحلة إلى بلاد الترك و الخزر و الروس و الصقالبة، مقدمة: سامی الدهان، دمشق: مطبوعات المجمع العلمي العربي.*
- [۴] ابن فضلان، احمد (۱۳۴۵)، *سفرنامه ابن فضلان، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.*
- [۵] افضلی، زهرا (۱۳۹۴)، «تصویرشناسی ادیبان ایران از نگاه ادیبان عرب (مطالعه مورد پژوهش: صاحب بن عباد از نگاه ابن نباته، سعدی و شریف رضی)»، *مجله کاوش نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۵، ش ۱۸، ص ۲۷-۵۱.*
- [۶] پولو، مارکو (۱۳۵۰)، *سفرنامه، ترجمه حبیب الله صحیحی، تهران: بنیاد ترجمه و نشر کتاب.*
- [۷] ثقفی، سیدمحمد (۱۳۷۵)، «بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی سفرنامه ابن فضلان»، *مجله آیینة پژوهش، ش ۳۸، خرداد و تیر، ص ۴۶-۵۰.*
- [۸] حموی، یاقوت ابن عبدالله (۱۹۰۶)، *معجم البلدان، ج ۳، مصر: مطبعة السعادة.*
- [۹] دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۵)، *لغت نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.*
- [۱۰] رازی، امین احمد (بی تا)، *هفت اقلیم، ج ۳، تصحیح جواد فاضل، تهران: علی اکبر علمی.*
- [۱۱] طوسی، محمد بن محمود بن احمد (۱۳۴۵)، *عجایب المخلوقات، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.*
- [۱۲] عالمی، خدیجه؛ عسکری، حانیه؛ سهیل شمعی، پروین (۱۳۹۵)، «شاخصه های سیاسی-اجتماعی نگاه جاهلی به زن در متون تاریخی و روایی قرن ۲-۷ ه.ق»، *مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، ش ۱، ص ۱۳۵-۱۴۶.*
- [۱۳] علوی زاده، فرزانه (۱۳۹۳)، «تصویر ایران و ایرانی در سفرنامه ژان شاردن (تأملی در انگاره آفرینی و کلیشه ها در ذهنیت سفرنامه نویس)»، *مجله جستارهای ادبی، ش ۱۸۵، ص ۱۴۷-۱۵۰.*
- [۱۴] غیائی، محمدتقی؛ نادری مقام، شقایق (۱۳۹۰)، «تصویرشناسی زن و رانگی در آثار لویی آراگون»، *مجله قلم، دوره ۶، ش ۱۳، ص ۵۵-۷۰.*
- [۱۵] مقصودی، منیژه (۱۳۸۶)، *انسان شناسی خانواده و خویشاوندی، تهران: شیرازه.*
- [۱۶] نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۸)، «درآمدی بر تصویرشناسی معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی»، *مطالعات ادبیات تطبیقی، ش ۱۲، ص ۱۱۹-۱۳۸.*
- [۱۷] نانکت، لاتیشیا (۱۳۹۰)، «تصویرشناسی به منزله خوانش متون نشر معاصر فرانسه و فارسی»، *ترجمه مزده دقیقی، ادبیات تطبیقی، ۱/۲، پیاپی: ۳، ص ۱۰۰-۱۱۵.*
- [۱۸] وهابی دریاکناری، رقیه؛ مریم حسینی (۱۳۹۵) «تصویر ایزدانوان در روایت های داستانی بهرام بیضایی» *مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، ش ۳، ص ۳۱۷-۳۳۲.*
- [۱۹] هاشمی، علی رضا (۱۳۸۳)، «برداشت های مردم شناختی از سفرنامه ابن فضلان»، *مجله فرهنگ مردم ایران، ش ۳ و ۴، تابستان و پاییز، ص ۱۹-۳۰.*